

به نام خدا

ماهنامه کاوش (۳۱)

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... ارزیابی مذاکرات هسته‌ای با ایران
- ۴..... گزینه‌های نامناسب درباره ایران
- ۶..... دیپلماسی و بازدارندگی
- ۸..... برای توقف ایران به بیش از مذاکره نیاز است
- ۱۰..... بحران هسته‌ای ایران
- ۱۳..... تحریم ایران: برنده واقعی کیست؟
- ۱۵..... سنجش کارآمدی تحریم علیه ایران
- ۱۷..... برای ایجاد جهان عاری از سلاح اتمی با ایران مقابله کنید
- ۱۹..... تنها دو راه در مورد ایران باقی مانده است
- ۲۱..... سیاست نیکسون در قبال چین نباید الگوی رابطه با ایران باشد
- ۲۳..... حمله به ایران
- ۲۵..... آینده اسرائیل و برنامه هسته‌ای ایران
- ۲۷..... واقعاً در ایران چه خبر است؟
- ۳۱..... تغییر رژیم ایران از نوعی دیگر
- ۳۵..... قدرت مشروعیت در تعامل با ایران
- ۳۶..... ایران و تعامل با غرب

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۹۵۲

دفتر: مطالعات سیاسی

آبان ماه ۱۳۸۸



یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این مسئله از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته میلادی مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس در شماره ۳۱ کاوش، با توجه به تمرکز بسیاری از مؤسسات پژوهشی بر تحولات پرونده هسته‌ای ایران، مقالاتی در این باره و سایر موضوعات جدید مرتبط با روابط خارجی ایران و سیاست‌های منطقه‌ای آن برگزیده شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله قبول و تأیید آنها از سوی دفتر مطالعات سیاسی نیست. در همین حال، ماهنامه کاوش جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادهای و انتقادات اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.



عنوان: ارزیابی مذاکرات هسته‌ای با ایران^۱

نویسنده: پاتریک کلوسن

منبع: The Washington Institute for Near East Policy

تحولات اخیر در مورد برنامه هسته‌ای ایران - مذاکرات ژنو، دیدار بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات «فردو» و مذاکرات فنی کارشناسان ایرانی و غرب و مذاکرات آتی ۵+۱ با ایران - سه گزینه احتمالی را در مورد آینده پرونده هسته‌ای ایران نشان می‌دهد: اولین احتمال، امکان تداوم برنامه هسته‌ای ایران و سوءاستفاده این کشور از فرصت مذاکرات ۵+۱ بر سر مسئله هسته‌ای آن است. براساس این احتمال، همواره کشورهای ۵+۱ خواهان تعلیق غنی‌سازی در ایران در مدت مذاکرات بوده‌اند. در این شرایط، پیشنهاد اخیر در مذاکرات فنی مبنی بر خروج ۸۰ درصد اورانیوم غنی‌سازی شده ایران - ۱۲۰۰ کیلوگرم - به روسیه به منظور کاهش توان ایران برای ساخت بمب هسته‌ای ارائه شده است زیرا که با خروج این میزان از اورانیوم، ایران به ۱۸ ماه زمان برای دستیابی به اورانیوم فعلی نیاز دارد. دومین احتمال در مورد آینده پرونده هسته‌ای ایران، شفافیت ایران و پذیرش بازرسی‌های آژانس است که این مسئله هم‌اکنون با تأکید مقامات ایران مبنی بر اجازه بازرسی از تأسیسات هسته‌ای به بازرسان آژانس و مذاکره با دانشمندان هسته‌ای آن محقق شده است. در این میان، یکی از شاخص‌های مهم برای تمایل ایران به شفاف‌سازی

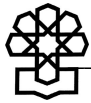
1. Patric Clawson, "Evaluating the Upcoming Nuclear Talks With Iran", the Washington Institute for Near East Policy, October 15, 2009.

۲. «مؤسسه واشنگتن در سیاست خاور نزدیک» از گروه‌های فکری و مؤسسات پژوهشی آمریکا در مسائل بین‌المللی است.



فعالیت‌های هسته‌ای آن، پاسخگویی به سؤالات آژانس در مورد فعالیت‌های هسته‌ای اش به‌ویژه سؤالات مطرح شده گزارش اخیر آژانس است. از سوی دیگر ایران همچنان برخلاف خواست کشورهای غربی و قطعنامه‌های شورای امنیت به غنی‌سازی ادامه می‌دهد و اعتماد عمومی را در مورد برنامه هسته‌ای خود جلب نکرده است.

سومین گزینه احتمالی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، از یکسو کاهش حساسیت افکار عمومی نسبت به پرونده هسته‌ای ایران در جامعه بین‌الملل و تأکید بر مذاکره - علیرغم موانع به‌وجود آمده توسط ایران - است و از سوی دیگر احساس موفقیت و افزایش توانمندی و قدرت توسط دولت ایران و اعمال سیاست‌های سختگیرانه داخلی آن علیه مخالفین می‌تواند باشد. در این شرایط اگرچه میزان موفقیت سیاست‌های آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران چندان مشخص نیست، اما تحولات آتی نشان خواهد داد که آیا ایران همچنان به دنبال خرید زمان برای تداوم فعالیت‌های هسته‌ای خود است یا اینکه مذاکرات با هدف تنش‌زدایی و حل اختلافات ایران و کشورهای غربی در مورد برنامه هسته‌ای آن طراحی شده است. مسلماً در این میان، هرچه ایران بیشتر درصدد خرید زمان باشد، فشار سیاسی بر رهبران آن افزوده شده و دستیابی ایرانیان به تکنولوژی و منابع مالی نیز محدود خواهد ماند.



عنوان: گزینه‌های نامناسب درباره ایران^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: American Enterprise Institute^۲

درحالی که پس از مذاکرات ژنو، اوباما نتیجه مذاکرات را موفقیت‌آمیز خواند ولی واقعیت نشان از شکست مذاکرات دارد؛ چرا که تهران اعلام کرده که مرکز جدید غنی‌سازی اورانیومی را در قم تأسیس کرده و این درحالی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مقامات اطلاعاتی آمریکا پیش از این، احتمال وجود چنین سایتی را نمی‌دادند. از سوی دیگر بسیاری از دانشمندان آژانس انرژی اتمی معتقدند که ایران به اطلاعات لازم جهت طراحی و ساخت سلاح اتمی کارآمد دسترسی پیدا کرده است. علاوه بر این، ایران تعهد کرده است بازرسان به کار خود ادامه دهند درحالی که شرایط این تعهد مشخص نشده است. از سوی دیگر در صورت انتقال سوخت با غلظت بالا به ایران، تضمینی جهت تغلیظ بیشتر و استفاده از آن در صنایع نظامی وجود ندارد.

تصور از تهدید هسته‌ای شدن ایران در میان طرف‌های مذاکره متفاوت است. اروپا هسته‌ای شدن ایران را نشانی از ناکارآمدی رژیم عدم اشاعه و NPT می‌داند. از سوی دیگر این اقدام نشان از ناکارآمدی سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از سال‌ها تعامل انتقادی با ایران بوده و شکست اقدامات چندجانبه و مشوق‌های وزرای

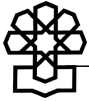
1. Michael Rubin, Bad Option on Iran, American Interprise Institute, October 5, 2009.

۲. «مؤسسه اینترپرایز» از پایگاه‌های وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکاست که توجه زیادی به بررسی تحولات حوزه خاورمیانه دارد.



خارج اتحادیه اروپا نیز محسوب می‌شود. از منظر آمریکا، ایران دارای سلاح اتمی، سبب ایجاد بازدارندگی غیرمتعارف شده و پرستیژ و حیثیت بسیاری برای ایران به وجود خواهد آمد و احتمالاً کشورهای منطقه مجبور به مصالحه با ایران برخلاف منافع آمریکا خواهند شد و از سوی دیگر این مسئله، احتمال مسابقه تسلیحاتی در منطقه را افزایش خواهد داد. علاوه بر این اسرائیل نیز ایران اتمی را تهدیدی جدی برای امنیت خود می‌داند. این در حالی است که برخی از کشورهای غربی معتقدند که اسرائیل در تهدید اتمی ایران اغراق می‌کند. در این زمینه، ایران به خوبی می‌داند که حمله به اسرائیل سبب واکنش جمعی و عمل متقابل گسترده علیه ایران می‌شود.

از سوی دیگر اگرچه حمله اسرائیل به ایران می‌تواند باعث خرید زمان برای کشورهای غربی در تعامل با پرونده هسته‌ای ایران شود، ولی این زمان اندک بوده و ایران پس از وقوع حمله اسرائیل، بسیار خطرناک‌تر از قبل عمل خواهد کرد. بنابراین، هرگونه حمله اسرائیل یک قمار بزرگ محسوب می‌شود. از سوی دیگر اسرائیل معتقد است ۵+۱ به دلیل آنکه دارای تصور متفاوت از تهدید ایران است نمی‌تواند منافع اسرائیل را تأمین کند؛ لذا آنها نمی‌توانند سبب تغییر رفتار ایران شوند. این عامل سبب می‌شود اسرائیل مسئله حمله نظامی علیه ایران به منظور توقف فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم آن را همواره در نظر داشته باشد.



عنوان: دیپلماسی و بازدارندگی^۱

نویسنده: آندرو پاراسیلیتی

منبع: Survival^۲

پرونده هسته‌ای ایران و شیوه تعامل دولت اوپاما با این مسئله، مهمترین محور این گزارش است. نویسنده در ابتدای گزارش به بررسی اقدامات دولت اوپاما و تحولات اخیر در مورد مسئله هسته‌ای ایران پرداخته و تأکید کرده است که اگرچه اوپاما با تعیین سقف زمانی مذاکره با ایران تا پایان سال میلادی و برداشتن اهرم توسل به زور علیه ایران درصدد توقف برنامه هسته‌ای آن بوده و بر ناکارآمدی تحریم‌ها نیز واقف بوده و همواره بر عدم پذیرش دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تأکید کرده است؛ اما در صورت عدم موفقیت مذاکرات هسته‌ای با ایران، آمریکا مجبور به پذیرش ایران به عنوان یک قدرت بالقوه هسته‌ای خواهد بود. در این میان، تحریم‌ها و بازدارندگی اگرچه می‌تواند مانع استفاده از سلاح هسته‌ای یا اعلام آشکار دستیابی به آن توسط یک کشور باشد؛ اما این ابزارها به منظور متوقف کردن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای تأثیر چندانی ندارد. در این شرایط به اعتقاد نویسنده، با توجه به اینکه آمریکا به دلیل نگرانی از توسل به زور علیه ایران، از اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران خودداری کرده است، به نظر می‌رسد که همچنان مذاکره بهترین گزینه برای توقف برنامه هسته‌ای ایران است. نویسنده در ادامه گزارش به بررسی شرایط منطقه‌ای و سیاست اسرائیل در قبال برنامه هسته‌ای ایران پرداخته و تأکید

1. Andrew Parasiliti, "Iran: Diplomacy and Deterrence", Survival, Vol. 15, Issue 5, October 2009.

۲. یکی از مهمترین نشریات بین‌المللی در حوزه سیاست و امنیت بین‌الملل است.



کرده است که اگرچه اسرائیل تاکنون متوسل به زور علیه ایران نشده است؛ اما گزینه اقدام نظامی به منظور توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران را نیز کنار نگذاشته است. از سوی دیگر صبر اسرائیل در عدم توسل به اقدام نظامی علیه ایران محدود است و در صورت تصور اسرائیل مبنی بر مصالحه آمریکا با ایران هسته‌ای، امکان اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران از سوی اسرائیل وجود دارد. علاوه بر این، مسئله هسته‌ای ایران سبب نگرانی کشورهای منطقه خاورمیانه شده است؛ لذا این کشورها به دنبال افزایش توان دفاعی خود و استقرار چتر حمایتی آمریکا در منطقه خلیج فارس هستند. در این شرایط، علیرغم سیاست آشکار اوباما برای توقف برنامه هسته‌ای ایران، گذشت زمان به نفع آمریکا نیست. در این میان، در گزینه‌های موجود برای دولت اوباما، تحریم و بازدارندگی کارآیی چندانی برای توقف هسته‌ای شدن ایران ندارد. از سوی دیگر حمله نظامی نیز با موانع بسیاری مانند عدم اطمینان از موفقیت عملیات نظامی، اقدامات تلافی‌جویانه ایران و تعویق موقتی دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مواجه است. بنابراین آمریکا باید از یکسو مذاکرات ۱+۵ با ایران را مورد حمایت جدی قرار داده و در مورد مسائل منطقه‌ای نیز با ایران مذاکره کند و از سوی دیگر آمریکا باید اقدامات ابتکاری را برای تعامل با ایران در نظر داشته باشد که در این زمینه، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت می‌تواند نقطه آغاز مناسبی برای تعاملات ایران و همسایگان آن در منطقه باشد. علاوه بر این، آمریکا می‌تواند از میانجیگری یک فرستاده ویژه به منطقه مانند دبیرکل سازمان ملل استفاده کند. از سوی دیگر آمریکا باید روابط اسرائیل، آمریکا و سوریه را نیز تقویت کرده تا از این طریق به کاهش توان بازیگری ایران در منطقه کمک کرده باشد و در نهایت اینکه آمریکا باید با استفاده از دیپلماسی عمومی درصدد ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی داخلی در ایران باشد.



عنوان: برای توقف ایران به بیش از مذاکره نیاز است^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: American Enterprise Institute^۲

مذاکرات دیپلمات‌های آمریکایی به همراه همتایان روسی، چینی و اروپایی خود در ژنو با ایران در مورد برنامه هسته‌ای این کشور زمانی صورت گرفت که ایران موشک‌های جدید خود را آزمایش کرد و از وجود یک مرکز هسته‌ای دیگر خبر داد. این اقدامات برگ برنده ایران در مذاکرات بود و در واقع میخی دیگر بر تابوت دکترین اوباما محسوب می‌شد. اوباما به دنبال مذاکره مستقیم با رهبران کشورهای متمرّد است چراکه معتقد است این امر سبب حفاظت از امنیت و منافع آمریکا می‌شود. اوباما برای این منظور اقدام به عذرخواهی در مورد سرنگونی نخست‌وزیر ایران توسط سیا در ۱۹۵۳ نمود و سپس به نامه‌نگاری و مصاحبه جهت تلطیف اوضاع اقدام کرد. هیلاری کلینتون معتقد است مذاکره بدون پیش‌شرط با ایران باعث می‌شود جمهوری اسلامی چهره واقعی خود را نشان داده و از سوی دیگر آمریکا زمان لازم جهت ایجاد جبهه واحد بین‌المللی را به دست آورد. از سوی دیگر آمریکا تلاش کرده با تعیین جدول زمانی به ایران جهت مذاکره فشار آورد تا در صورت عدم پاسخ مناسب از سوی این کشور تحریم‌های شدیدتر اعمال شود.

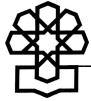
در مجموع دکترین اوباما دارای دو اشکال جدی است: اولاً اوباما تصور می‌کند

1. Michael Rubin, "It Takes Much More Than Talks to Stop Iran's Stonewalling", American Enterprise Institute, September 30, 2009.

۲. «مؤسسه اینترپرایز» از پایگاه‌های مهم وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکاست که توجه زیادی به بررسی تحولات و حوزه خاورمیانه دارد.



سایر رهبران نیز در این موضوع همانند وی می‌اندیشند. اما دولت‌ها براساس منافع خود عمل می‌کنند. مشکل دیگر آن است که اوپاما تحریم و اقدام نظامی را در مرحله پس از مذاکره قرار داده است و این امر به معنای شکست تعامل است. در حالی که نیکسون و ریگان هنگامی که به تنش‌زدایی با چین و روسیه پرداختند، هرگز اقدامات نظامی را متوقف نساختند و این نقطه ضعف اوپاما است. نکته مهم آن است که ایران بدون تهدید نظامی صادقانه رفتار نخواهد کرد. به عبارت دیگر بدون اسلحه دیپلماسی موفق نخواهد بود.



عنوان: بحران هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: الکساندر نیکول

منبع: International Institute of Security Studies^۲

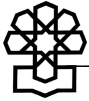
مذاکرات ایران و ۵+۱ در ژنو اگرچه همزمان با افشای تأسیسات جدید غنی‌سازی اورانیوم این کشور و احتمال افزایش تنش میان ایران و غرب همراه بود، اما پس از این مذاکرات، احتمال پایان تقابل طولانی ایران و غرب تقویت شد. در واقع اگرچه از یکسو اوپاما با افشای تأسیسات هسته‌ای فردو، تأکید کرده بود که تأسیسات جدید نشان می‌دهد که غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران صرفاً برای فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای آن نیست و از سوی دیگر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز اعلام کرده بود که ایران توانایی ساخت بمب را دارد و براین اساس کشورهایمانند فرانسه، آلمان و اسرائیل هم بر نادرست بودن گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا در مورد توقف برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۳ تأکید کردند؛ اما مذاکرات ژنو این معادلات را برهم زد و گزینه‌های تحریم و حمله علیه ایران را متوقف کرد. زیرا که پس از مذاکرات مقرر شد که بازرسان آژانس انرژی اتمی از تأسیسات هسته‌ای ایران در فردو بازرسی کنند و زمینه مذاکرات فنی میان ایران و ۵+۱ به وجود آید. همچنین در خلال این مذاکرات، دیدار میان جلیلی - دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران - و برنز - معاون وزیر امور خارجه آمریکا - نیز صورت گرفت که به نوبه خود مهمترین تعامل دیپلماتیک دوجانبه

1. Alexander Nicool, "The Iranian Nuclear Crisis", International Institute of Security Studies, October 8, 2009.

۲. «مؤسسه بین‌المللی مطالعات امنیتی» از مهمترین مؤسسات پژوهشی در حوزه سیاست و امنیت بین‌المللی است.



ایران و آمریکا پس از بحران گروگانگیری در سال ۱۹۷۹ بود. براین اساس در چارچوب مذاکرات ژنو، ایران صدور ۱۲۰۰ کیلوگرم از اورانیوم غنی شده خود به روسیه و غنی‌سازی آن تا ۱۹/۷۵ درصد در این کشور و سپس ارسال آن به فرانسه برای تبدیل آن به سوخت مورد نیاز برای راکتور هسته‌ای تحقیقاتی تهران را پذیرفت. این مسئله عملاً به افزایش اعتماد میان ایران و غرب و احتمال کاهش تنش میان آنان و حل پرونده هسته‌ای ایران منجر می‌شود. در واقع از نظر غرب این معامله سبب توقف موقت غنی‌سازی در ایران است زیرا که با خروج ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده از ایران، تنها ۵۰۰ کیلوگرم دیگر باقی می‌ماند و با توجه به نیاز به ۱۲۰۰ کیلوگرم برای ساخت یک بمب هسته‌ای و تولید تنها ۸۰ کیلوگرم در یک ماه، عملاً خطر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای از بین رفته و زمان به سود غرب مورد استفاده قرار می‌گیرد و احتمال حل کامل تنش هسته‌ای میان ایران و غرب به وجود می‌آید. با وجود این در صورت شکست جزئیات مورد مذاکره، ایران خواستار غنی‌سازی اورانیوم تا ۱۹/۷۵ درصد در داخل کشور خواهد شد. از سوی دیگر باید توجه داشت که این مذاکرات، حق غنی‌سازی اورانیوم برای ایران را به رسمیت شناخته است در حالی که قطعنامه‌های شورای امنیت همواره بر مسئله تعلیق غنی‌سازی در ایران تأکید داشته‌اند و تحریم‌های اعمال شده بر اساس این قطعنامه‌ها همچنان تا دستیابی به یک توافق هسته‌ای با ایران پابرجا هستند. علاوه بر این، مذاکرات ژنو و وین برخلاف اظهارات مکرر ایران مبنی بر عدم مذاکره بر سر پرونده هسته‌ای آن، نشان داد که رهبران ایران می‌توانند مواضع خود را تغییر داده و با پذیرش مذاکرات، زمینه رفع تحریم‌های اعمال شده علیه ایران را به وجود آورند. از سوی دیگر پذیرش



غنی‌سازی توسط ایران از سوی غرب، نوعی موفقیت سیاست خارجی دولت نیز محسوب شده و می‌تواند عامل توازن بخشی در مقابله با کاهش مقبولیت آن به دلیل تحولات داخلی پس از انتخابات ریاست جمهوری باشد. در این شرایط بهترین گزینه ممکن برای غرب، محدود کردن غنی‌سازی اورانیوم در ایران و کاهش میزان اورانیوم غنی شده موجود در این کشور و شفافیت بیشتر در این مسئله است.



عنوان: تحریم ایران: برنده واقعی کیست؟^۱

نویسنده: جاوید صالحی اصفهانی

منبع: The Brookings Institute^۲

نمایندگان آمریکا و ایران در ژنو در حالی ملاقات کردند که ایران موشک‌های جدیدی را مورد آزمایش قرار داد و وجود سایت جدید هسته‌ای این کشور رسماً اعلام شد. از سوی دیگر تمرکز مذاکرات از بحران سیاسی داخلی ایران، به سمت مسائل اقتصادی تغییر کرده بود. در همین حال گروه ۵+۱ به تحلیل هزینه‌ها و فواید اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران جهت تغییر رفتار آن کشور مبادرت کرد. در این زمینه، صحبت از تحریم‌ها در حالی صورت می‌گیرد که بحث از کارآمدی آنها با توجه به اقتصاد ایران مطرح می‌شود. در واشنگتن سخن از تحریم‌های فلج‌کننده برپایه فقدان گزینه‌های جدید مطرح شده است. از سوی دیگر مبنای طرح تحریم جدید بر این گزاره استوار شده است که تحریم‌ها بر اقتصاد ایران فشار آورده و نارضایتی عمومی تابستان امسال در تهران نیز به دلیل این تحریم‌ها صورت گرفته است. نویسنده معتقد است این دو گزاره نادرست بوده و اوضاع اقتصادی مردم ایران نسبت به سال گذشته براساس آمار موجود بهتر شده است. موافقان تحریم باید ادعای خود مبنی بر تأثیر تحریم‌ها را اثبات کنند. اثبات این امر بسیار دشوار است چراکه علیرغم وجود این تحریم‌ها در سال ۲۰۰۷ رشد اقتصادی ایران ۷ درصد بوده است. استدلال دیگر به ارتباط تحریم با ناآرامی‌های تابستان تهران مربوط می‌شود. به عقیده این افراد، فقر و

1. Djavaid Salehi – Isfahani, "Iran Sanctions: Who Really Wins" The Brookings Institute, September 30, 2009.

۲. «مؤسسه بروکینگز» از مؤسسات مهم پژوهشی آمریکا در حوزه سیاست و امنیت بین‌الملل.



رکود اقتصادی موجب اعتراض مردم شده است. این مسئله نیز نادرست است چراکه اعتراضات در پی انتخابات ریاست جمهوری بیشتر معطوف به بهبود شرایط زندگی در ایران بود و نه مسائل اقتصادی. بسیاری از مردم حامی دولت احمدی‌نژاد خواستار توزیع درآمد نفت بین مردم هستند و در برابر این عده، افرادی با مشی اقتصاد لیبرال قرار داشته و از سیاست‌های اقتصادی دولت انتقاد می‌کنند. اعمال تحریم‌های بیشتر، مخالفان دولت را تحت فشار قرار داده و قدرت بیشتری به دولت جهت پیشبرد سیاست‌های خود خواهد داد. اعمال تحریم بنزین علیه ایران، هدیه‌ای به احمدی‌نژاد است تا اقدام به افزایش قیمت بنزین کرده و درآمد آن را جهت تقویت پایگاه مردمی خود به‌کار گیرد.

از سوی دیگر اعمال تحریم‌های بیشتر به طبقه متوسط فشار زیادی وارد نمی‌کند بلکه این فشار بر طبقه ضعیف اعمال شده و آنها نیز ابزار لازم برای مقابله با دولت را ندارند. در صورتی که هدف از تحریم ایران، ممانعت سایر کشورها از اتخاذ سیاست‌هایی نظیر ایران است، باید گزینه رسیدن به این هدف را با همکاری ایران در نظر گرفت. به عبارت دیگر نباید صرفاً به رسیدن به این هدف از طریق قربانی کردن ایران دست یافت. برای این منظور آمریکا باید در نظر بگیرد که ایران می‌تواند الگویی برای توسعه در منطقه باشد. به عبارت دیگر، بجای تأکید بر نقش نظامی ایران در منطقه به نقش اقتصادی آن جهت ثبات منطقه‌ای باید توجه کرد.



عنوان: سنجش کارآمدی تحریم علیه ایران^۱

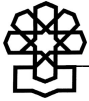
نویسنده: پاتریک کلوسن و مهدی خلجی

منبع: The Washington Institute For Near East Policy^۲

افشای تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم ایران در فردو سبب شده است که گزینه تحریم برای توقف برنامه هسته‌ای ایران همچنان مورد توجه کشورهای غربی بوده و تنها در صورت مذاکرات مؤثر و نتیجه‌بخش ۵+۱ با ایران، امکان خروج آن از دستور کار غرب در تعامل با ایران وجود داشته باشد. با این وجود، هم‌اکنون تمرکز غرب بر تحریم نظام بیمه و بانکداری ایران با هدف اعمال فشار بر این کشور به‌منظور توقف برنامه هسته‌ای آن است. علاوه بر این، هدف دیگر این تحریم‌ها، حمایت دیپلماسی خلاق در قبال ایران و توقف حمایت ایران از تروریسم است. بنابراین، کارآمدی تحریم‌ها با بررسی میزان تأثیر آنها بر ایران سنجیده نمی‌شود، بلکه با میزان متقاعد ساختن رهبران ایران برای تغییر رویه آنان به‌ویژه در قبال مسئله هسته‌ای این کشور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر با توجه به اینکه تحریم‌ها اکثراً بر مردم ایران تحمیل می‌شود، عملاً با تضعیف جایگاه نظام و رهبران آن در نزد مردم و تهدید حاکمیت، تحریم‌ها می‌توانند مؤثر واقع شوند. با این وجود به‌نظر می‌رسد که تحریم‌های کنونی به نفع بخش‌هایی از نظام و به‌ویژه نیروهای نظامی آن است که از فرصت موجود در راستای گسترش نفوذ خود در سیاست و اقتصاد ایران استفاده

1. Patric Clawson and Mehdi khalaji, "Determining The Effectiveness of sanctions on Iran", The Washington Institute for Near East Policy, October 1, 2009.

۲. «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک»، از مهمترین مؤسسات پژوهشی آمریکا در مسائل بین‌المللی است.



کنند. از سوی دیگر اعمال همزمان تحریم و تعامل با ایران می‌تواند برای مقابله با سوءاستفاده دولت از تغییر رویکرد غرب در قبال این کشور - به‌عنوان یک دستاورد سیاست خارجی آن - نیز مؤثر باشد. در این میان، می‌توان در موارد نقض فاحش حقوق بشر توسط ایران نیز تحریم‌هایی را اعمال نمود تا از این طریق، شکاف میان مردم و نظام را گسترش داد. به‌علاوه که این‌گونه تحریم‌ها نیازی به مجوز شورای امنیت نیز ندارد. ضرورت این‌گونه تحریم‌ها اگر چه در سیاست‌های اعلامی غرب همواره مطرح می‌شود، اما در واقع، اعمال تحریم از سوی جامعه بین‌المللی بیشتر برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران است و احتمال معامله غرب با ایران و رفع این‌گونه تحریم‌ها در صورت توافق ایران با غرب بر سر پرونده هسته‌ای آن وجود دارد.



عنوان: برای ایجاد جهان عاری از سلاح اتمی با ایران مقابله کنید^۱

نویسنده: پال ولفوویتز

منبع: American Enterprise Institute^۲

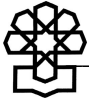
اوباما انعطاف فوق‌العاده‌ای درباره برنامه هسته‌ای ایران نشان داده و حق استفاده مسالمت‌آمیز این کشور از انرژی هسته‌ای را پذیرفته و اعلام کرده است که بدون پیش‌شرط حاضر به مذاکره با ایران است. این اقدامات درحالی صورت می‌گیرد که لفاظی‌های ایران و فشار کنگره برای تحریم ایران همچنان وجود دارد. اقدام اوباما نشان می‌دهد دولت آمریکا مانعی برای حل مسئله هسته‌ای ایران به حساب نمی‌آید چنانچه حتی در زمان بوش، دولت آمریکا خواهان مذاکره متحدان خود با ایران بود.

کشف مرکز جدید هسته‌ای ایران در فردو بنا به گفته مقامات دولت اوباما تلاشی جهت مخفی‌کاری جدید و حرکت به سوی ساخت سلاح اتمی محسوب می‌شود چرا که هزینه خرید سانتریفیوژ و سوخت هسته‌ای بسیار کمتر از غنی‌سازی بوده و از سوی دیگر ایران ذخایر عظیم انرژی در اختیار دارد و نیازی به تولید برق از راه انرژی اتمی ندارد.

در این شرایط، ایران از مدل ژاپن جهت استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی پیروی می‌کند. درحال حاضر ژاپن توانایی ساخت ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ کلاهک هسته‌ای را دارد با این توضیح که کسی ژاپن را به فریب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و انحراف از

1. Paul Wolfowitz, "Confront Tehran Now in Pursuit of Nuclear free world", American Enterprise Institute, September 28, 2009.

۲. «مؤسسه اینترپرایز» از مهمترین مؤسسات وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکا که در حوزه مسائل خاورمیانه تمرکز دارد.



قوانین متهم نمی‌کند. ایران درحال ذخیره حجم بالایی از اورانیوم با غلظت کم می‌باشد. از سوی دیگر اعمال تحریم باعث توقف برنامه هسته‌ای ایران نمی‌شود چرا که این کشور به‌لحاظ اقتصادی قوی‌تر از کره شمالی است؛ ولی شرایط داخلی ایران طبیعی نیست و مخالفت‌هایی علیه حکومت وجود دارد. ازاین‌رو جهان نباید از حق استفاده مسالمت‌آمیز از انرژی اتمی با ایران سخن براند، بلکه باید از هدر رفتن منابع مردم این کشور بگوید و از ایجاد اصلاحات در کشور حمایت کند. از سوی دیگر مخالفت کشورهای عرب همسایه ایران با برنامه هسته‌ای می‌تواند باعث حمایت ایران از اقدامات تروریستی علیه آنان و پناه دادن به نیروهای القاعده شود. به هر حال تلاش جهت ایجاد جهان بدون سلاح اتمی هزینه‌های جدی دارد و پرونده هسته‌ای ایران، آزمونی در جهت سنجش اراده کشورها در این راستاست.



عنوان: تنها دو راه در مورد ایران باقی مانده است^۱

نویسنده: الیوت کوهن

منبع: Wall Street Journal^۲

نویسنده با نگاهی افراطی معتقد است تنها دو راه سر راه پرونده هسته‌ای قرار دارد: حمله آمریکا یا اسرائیل به ایران که باعث برچیده شدن برنامه هسته‌ای ایران گردد و احتمالاً با جنگی اساسی همراه خواهد بود یا زندگی با ایران دارای سلاح هسته‌ای که نتیجه احتمالی آن نیز جنگ و احتمالاً وقوع یک جنگ اتمی در بلندمدت خواهد بود.

در این شرایط، درحال حاضر دولت آمریکا تحریم‌های میان‌مدت و مذاکره و چانه‌زنی را انتخاب کرده است. هر چند تداوم برخی تحریم‌ها، مورد حمایت آمریکا و سایر متحدانش می‌باشد ولی این تحریم‌ها راه کنترل و مهار هسته‌ای ایران نیست. نویسنده معتقد است ایران مصمم به ساخت سلاح اتمی است. در این راستا چین و روسیه هر چند همراه غرب بوده‌اند ولی از تحریم‌های فلج‌کننده اقتصاد ایران حمایت نمی‌کنند. از سوی دیگر آلمان و سوئیس نیز شرکای تجاری ایران هستند. علاوه بر این، حمله احتمالی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، در کوتاه‌مدت باعث عقب‌نشینی برنامه هسته‌ای ایران می‌شود ولی رفتار و استراتژی اسرائیل در این رابطه نامشخص است. زیرا که اولاً پایگاه‌های اتمی ایران به نسبت اوسیراک عراق، پیچیده‌تر، پراکنده‌تر و با حفاظت بیشتر است. ثانیاً حمله اسرائیل به ایران باعث تحریک کشورهای منطقه و مردم آنها و واکنش جدی ایران خواهد شد.

1. Eliot Cohen, "There are Only Two Choices Left on Iran", Wall Street Journal, Sep 27, 2009.

۲. «وال استریت ژورنال» از نشریات معتبر آمریکایی است.



در این وضعیت، اگرچه حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران احتمالاً مؤثرتر می‌باشد، اما این مسئله سبب ورود جدی کشورهای منطقه خلیج فارس به جنگ و توقف صادرات نفت خواهد شد. از سوی دیگر آمریکا درگیر جنگ در عراق و افغانستان بوده و اوباما اراده کافی جهت حمله به ایران در این شرایط را ندارد.

درواقع، مشکل اصلی، برنامه هسته‌ای ایران نیست بلکه ماهیت رژیم این کشور است که حمله نظامی این مشکل را حل نخواهد کرد. از سوی دیگر باید توجه داشت که ممکن است ایران در توانایی تسلیحاتی و نظامی ضعیف باشد ولی قابلیت زیادی در جنگ‌های چریکی و خرابکارانه و نامتقارن دارد که کل منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نویسنده معتقد است حکومت ایران برای انجام مذاکره نیز قابل اعتماد نیست؛ لذا بهتر است آمریکا سیاست‌های خود را تغییر داده و با استفاده از قدرت نرم، تمام توان خود را برای تغییر رفتار ایران به‌کار گیرد.



عنوان: سیاست نیکسون در قبال چین نباید الگوی رابطه با ایران باشد^۱

نویسنده: پاتریک کلوسن

منبع: Foreign Policy^۲

این گزارش به بررسی سیاست تعاملی اواما در قبال ایران پرداخته و با انتقاد از سیاست تنش‌زدایی آمریکا در قبال ایران، این سیاست را غیرممکن و نامطلوب می‌داند. نویسنده در ابتدای گزارش، فضای مذاکرات ایران و غرب را شکننده و تنش‌زا خوانده و از تنش‌زدایی میان آمریکا و ایران به شیوه تنش‌زدایی آمریکا با چین در دوره نیکسون انتقاد می‌کند. به اعتقاد نویسنده به دلیل تحولات داخلی ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری در این کشور، پیگیری تنش‌زدایی با دولت کنونی در ایران ممکن نیست. این امر در واقع از نظر نویسنده تکرار اشتباه کارتر در جزیره ثبات دانستن ایران قبل از وقوع انقلاب اسلامی در این کشور است. از سوی دیگر اگر چه مردم ایران خواهان اتحاد استراتژیک با آمریکا هستند اما این مسئله تحت حاکمیت نظام کنونی ممکن نیست و دشمنی استراتژیک آنان مانع اساسی در تنش‌زدایی میان دو کشور محسوب می‌شود. در واقع اگر چه در گذشته اتحاد آمریکا و چین در دوره نیکسون علیه دشمن مهمتر آنان یعنی شوروی محقق گشت یا اینکه انگلیس و شوروی علیه آلمان متحد شده بودند، اما هم‌اکنون دشمن مهمتری برای اتحاد استراتژیک و نزدیکی ایران و آمریکا به یکدیگر وجود ندارد و عواملی مانند القاعده، پتانسیل و توان لازم را به‌عنوان یک تهدید مشترک برای ایجاد اتحاد میان دو کشور را ندارند.

1. Patrick Clawson, "No Nixon – to – China Moment Here", Foreign Policy, October 2, 2009.

۲. «سیاست خارجی» از مهمترین نشریات در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی است.



نویسنده در ادامه گزارش تأکید می‌کند که بر فرض امکان تشکیل اتحاد استراتژیک ایران و آمریکا، ایجاد این اتحاد مطلوب نیست زیرا که این اتحاد سبب بروز چالش‌های عمیقی در روابط آمریکا و دوستان و متحدان منطقه‌ای آن در خاورمیانه می‌شود. در واقع دوستان و متحدان کنونی آمریکا در خاورمیانه مانند عربستان و کشورهای کوچک‌تر در خلیج فارس و مصر همواره به ایران بدبین بوده و بهبود روابط ایران و آمریکا تأثیر منفی بر تعاملات آنان و آمریکا خواهد داشت. در این میان، اسرائیل به‌عنوان مهمترین دشمن استراتژیک ایران نیز مطرح است. در واقع اگر چه عده‌ای معتقدند که با تنش‌زدایی میان ایران و آمریکا، اختلافات و تنش‌های منطقه‌ای به‌صورت مسالمت‌آمیز حل خواهد شد، اما این رویکرد با سیاست‌های ایران در حمایت از گروه‌های مقاومت در منطقه سازگار نیست. نویسنده در پایان گزارش تأکید می‌کند که ایران به دنبال افزایش قدرت و نفوذ خود در منطقه است و از راه‌های مختلف و حتی توسل به زور به دنبال دستیابی به اهداف منطقه‌ای خود در منطقه و از جمله در عراق، افغانستان، لبنان و در پرونده هسته‌ای خود است. در این شرایط سیاست آمریکا در تنش‌زدایی با ایران که با نارضایتی متحدان کنونی آن در منطقه همراه است مطلوب نبوده و حتی اگر در کوتاه‌مدت اتحاد استراتژیکی میان ایران و آمریکا محقق گردد این اتحاد چندان مفید و مؤثر نخواهد بود.



عنوان: حمله به ایران^۱

نویسنده: دیوید کی

منبع: National Interest^۲

نویسنده معتقد است سیاست فعلی دولت آمریکا در مهار بلندپروازی‌های ایران ناکارآمد است. بنابراین آمریکا علاوه بر اقدامات دیپلماتیک باید با تکیه بر قدرت نظامی به ایران نشان دهد که هرگونه ماجراجویی هسته‌ای به نابودی کامل ایران و توان نظامی آن کشور منجر خواهد شد. در این شرایط، ایران به مرحله تولید سلاح هسته‌ای رسیده است و در طراحی و تکمیل موشک‌های دوربرد حامل کلاهک هسته‌ای پیشرفت داشته است. از سوی دیگر افزایش تأسیسات هسته‌ای قم نشان می‌دهد که ابعاد پنهان برنامه هسته‌ای ایران فراتر از مسائلی است که جامعه جهانی از طریق بازرسی‌های آژانس از آن اطلاع یافته است.

در این وضعیت به نظر می‌رسد که سیاست آمریکا در قبال ایران تنها بر سیاست اعمال تحریم‌ها تأکید دارد این در حالی است که سیاست‌های هسته‌ای ایران بسیار پیشرفته‌تر از زمانی است که تحریم‌ها آغاز شده است. نویسنده پیشنهاد می‌کند سیاستمداران آمریکایی با شدت و قدرت بیشتری آثار هسته‌ای شدن ایران را تذکر دهند و خطرات احتمالی دستیابی به سلاح را برای ایران تبیین نمایند و این اقدام را عاملی برای تهدید موجودیت این کشور تلقی نمایند. به اعتقاد نویسنده، تنها رژیم بازرسی بسیار شدید می‌تواند ابعاد برنامه هسته‌ای ایران را مشخص سازد، اما دولت

1. David Kay, "Striking Iran", National Interest, October 2009.

۲. «منافع ملی» از نشریات معروف آمریکا با گرایش نومحافظه‌کارانه است.



ایران به این بازرسی‌ها تن در نمی‌دهد. در این شرایط نباید انتظار همکاری ایران با آژانس و گسترش حوزه بازرسی‌ها را داشت. از سوی دیگر عدم اجماع لازم برای تحریم ایران سبب می‌شود ایران از فرصت استفاده کرده و سیاست‌های خود را برای ساخت سلاح به پیش گیرد. نویسنده در ادامه گزارش تأکید می‌کند که دستیابی ایران به سلاح اتمی خطری برای آمریکا و اسرائیل نیست، بلکه اولین تهدید متوجه موجودیت این کشور است. ایران با اتخاذ این سیاست خود را با قدرت‌های برتر هسته‌ای رودررو خواهد کرد. در پایان گزارش نویسنده تأکید می‌کند که در شرایط کنونی آمریکا باید به متحدان خود در منطقه تضمین دهد که در برابر ایران از آنها حمایت خواهد کرد.



عنوان: آینده اسرائیل و برنامه هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: لئونارد ویس

منبع: Middle East Policy Council^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی تحولات آینده منطقه خاورمیانه تحت تأثیر قدرت هسته‌ای ایران و اسرائیل پرداخته و شرایط منطقه و سیاست‌های اسرائیل را در قبال برنامه هسته‌ای ایران مورد ارزیابی قرار داده است. براین اساس، در ابتدای گزارش، نویسنده تأکید کرده است که در شرایط کنونی: اولاً اسرائیل یک قدرت هسته‌ای است که از دهه ۱۹۶۰ به تسلیحات هسته‌ای دست‌یافته و هم‌اکنون بالغ بر ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد که در این میان، بخشی از این کلاهک‌های هسته‌ای نیز توسط زیردریایی‌های اسرائیل جابجا می‌شوند. ثانیاً این کلاهک‌های هسته‌ای به اسرائیل توان بازدارندگی اعطا کرده و در صورت تهدید وجودی آن به منظور یک اقدام پیش‌دستانه به کار گرفته خواهند شد. بنابراین تأکیدات برخی از مقامات رسمی و تحلیلگران مبنی بر تهدید ایران هسته‌ای برای اسرائیل و طرح احتمال حمله هسته‌ای ایران به اسرائیل محقق نخواهد شد. زیرا که به اعتقاد نویسنده، ایران از یک‌سو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کرده و تاکنون فعالیت‌هایش تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده است (این درحالی است که اسرائیل هرگز این معاهده را امضا نکرده و فعالیت‌های هسته‌ای آن تحت نظارت آژانس نیز قرار ندارد) از سوی دیگر، ایران در صورت دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای نیز از آن برای حمله به اسرائیل

1. Leonard Weiss, "Israel's Future and Iran's Nuclear Program" Middle East Policy Council, Vo 1 XVI, No.3, Fall 2009.

۲. «شورای سیاستگذاری خاورمیانه» از مراکز مهم پژوهشی در حوزه خاورمیانه است.



استفاده نخواهد کرد. زیرا که عقلانیت رهبران ایران مانع حمله احتمالی به اسرائیل خواهد شد در واقع حمله هسته‌ای به اسرائیل نه تنها سبب کشته شدن یهودیان بلکه به کشته شدن ۱/۵ میلیون مسلمان ساکن در فلسطین منجر خواهد شد و همچنین اقدام متقابل اسرائیل در حمله به ایران را نیز در پی خواهد داشت که این مسئله سبب توقف و بازگشت ایران در روند توسعه آن خواهد شد. نویسنده در ادامه گزارش تأکید کرده است که عده‌ای از تحلیلگران معتقدند که ایران به انتقال سلاح هسته‌ای به گروه‌های مقاومت و استفاده نیابتی از سلاح هسته‌ای علیه اسرائیل مبادرت خواهد کرد، اما این مسئله نیز اولاً با محدودیت‌ها و مشکلات انتقال این تسلیحات مواجه است، ثانیاً اطمینان استفاده از سلاح هسته‌ای کاملاً مطابق با خواست ایران توسط گروه‌های مقاومت وجود ندارد و در نهایت اینکه هرگونه حمله هسته‌ای نیابتی به اسرائیل توسط سلاح‌های هسته‌ای ایرانی به‌عنوان یک حمله توسط نیروهای ایران محسوب شده و اقدامات تلافی‌جویانه اسرائیل را به دنبال خواهد داشت. براین اساس، این مسئله نوعی بازدارندگی را نسبت به انتقال این تسلیحات از ایران به گروه‌های مقاومت یا استفاده از آن علیه اسرائیل توسط آنان را به وجود می‌آورد.



عنوان: واقعاً در ایران چه خبر است؟^۱

نویسنده: مارک مدیش

منبع: New York Times^۲

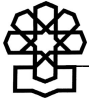
نویسنده که از کارشناسان سابق شورای امنیت آمریکا است از خود می‌پرسد که واقعاً در ایران چه خبر است؟ وی برای رسیدن به پاسخ این سؤال ۷ بند زیر را مورد بررسی قرار می‌دهد:

بند اول - اجلاس پیتزبورگ: در اجلاس پیتزبورگ که مانند شروع بازی شطرنج بود، کنفرانس خبری اوباما، سارکوزی و براون با افشاگری در مورد تأسیسات هسته‌ای قم آغاز شد و تهدید ایران به تحریم‌های شدیدتر اوج گرفت. همین نکته نوعی بازگشت به عقب برای اوبامایی به‌شمار رفت که خواستار مذاکره بدون پیش‌شرط با ایران شده بود. البته این نکته را نیز نباید فراموش کرد که مقامات غربی در صورت رسیدن موعد اجرای تحریم‌ها (که می‌توانست بدون نتیجه اعمال شود) اعتبار خود را در خطر می‌دیدند، بنابراین بهترین راه، کنار آمدن با ایرانی اتمی بود.

بند دوم - ماجرای قم: ایرانیان با عجله بسیار زیاد از تأسیسات اتمی زیرزمینی خبر دادند که در قم واقع شده بود. بسیاری از کارشناسان بر این عقیده‌اند که تأسیسات قم قرار بود به‌عنوان سایت پرتاب موشک استفاده شود، اما به نیروگاه هسته‌ای تغییر کاربرد داده شد. نویسنده گزارش با اشاره به اینکه آمریکا مدعی است که از سال ۲۰۰۷ از تأسیسات اتمی قم اطلاع داشته است می‌نویسد: در حالی که

1. Mark Medish, "What's With Iran?", The New York Times, October 21, 2009.

۲. «نیویورک تایمز» از نشریات معتبر آمریکایی است.



مقامات آمریکایی از دو سال قبل در مورد تأسیسات قم اطلاع داشتند، جای تعجب است که چرا در این برهه آن را بر ملا کرده‌اند؟

بند سوم - مذاکرات ژنو و وین: هرچند توافقات انجام شده اولیه شاید برای اوباما یک پیروزی زودهنگام تلقی شود، اما نباید از این نکته نیز غافل بود که بسیاری از کارشناسان با تجربه غربی، انعطاف‌های اخیر ایران را نوعی تاکتیک برای خرید زمان تلقی می‌کنند.

بند چهارم - ربایش دانشمند هسته‌ای: وی در این بخش ادعا می‌کند که همکاری ایران با غرب برای ارسال احتمالی اورانیوم غنی شده با درصد پایین به خارج از کشور، به دلیل عدم دستیابی ایران به راهی دیگر برای غنی‌سازی اورانیوم درصد بالا بوده است. مفقود شدن دکتر شهرام امیری جالب توجه است زیرا زمان گم شدن او با موافقت ایران برای ارسال اورانیوم با درجه غنای پایین به خارج از کشور متقارن شده است و حتی ممکن است در غیاب او نیز سانتریفیوژها از کار بیفتند.

بند پنجم - نقش روسیه: روسیه به‌عنوان یکی از حامیان تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد به همراه چین مخالف اعمال تحریم علیه ایران به‌شمار می‌رود زیرا از این بابت که تحریم‌ها کاربردی نداشته باشد، هراس دارد. روسیه نیز می‌داند که این دفعه اعمال تحریم جواب نخواهد داد، اما منافع آنها نیز اجازه نخواهد داد که جبهه غرب را رها کنند و به‌صورت کامل به حمایت از ایران بپردازند.

بند ششم - بازی فریب: در حال حاضر، همچون قضیه جنگ آمریکا با افغانستان، پیشنهاد عقب‌نشینی مقابل ایران نیز مطرح شده است و سه گزینه تئوریک



اعم از حمله پیشگیرانه، عقب‌نشینی و ممانعت از تهدید بیشتر و حرکت در چارچوب مذاکرات با ایران پیش روی غرب قرار دارد. گزینه اول غیرقابل اجرا بوده و امکانپذیر نیست. گزینه دوم محتمل، اما مورد علاقه اروپا و آمریکا نیست و اما سومین گزینه، بهترین سناریویی است که می‌توان آن را دنبال کرد. ایرانیان نیز برخلاف شایعه‌های موجود، ظرفیت تولید سلاح اتمی را ندارند و استراتژی آنها بر این پایه استوار است که در این راه قدم نگذارند. ایران بنابه گزارش‌های به‌دست آمده، تا ساخت سلاح هسته‌ای فاصله زیادی دارد و اگر روزی نیز به این سلاح دست پیدا کند، سیاستی همانند ژاپن پیش خواهد گرفت (که با وجود داشتن بمب هسته‌ای، هیچ‌گونه آزمایشی صورت نداده است). اما مشکل اصلی اینجاست که سطح اعتماد ایران و آمریکا بسیار پایین است و سؤال اینجاست که اولین طرف اعتمادکننده به طرف مقابل، کدام یک از این دو کشور خواهند بود.

بند هفتم - کارت اسرائیل: اگر سطح اعتماد ایران و آمریکا نزدیک به صفر باشد، میزان اعتماد ایران و اسرائیل زیر صفر است. علاوه بر این، بعضی از مقامات اسرائیلی اظهار کرده‌اند که دیگر نمی‌توانند به سیاست‌های آمریکا علیه ایران اعتماد کنند و به‌طور کل، او با ما عملکرد ضعیفش مقابل ایران باعث قوت گرفتن این حس شده است. اسرائیل می‌تواند آغازگر حمله نظامی به ایران باشد اما در صورت بروز چنین حرکتی، وقوع پاسخ‌های نامتقارن ایران و به آتش کشیده شدن خاورمیانه قابل پیش‌بینی خواهد بود. اما اگر سناریوی جنگ اسرائیل علیه ایران نمی‌تواند کارگر بیفتد، چرا مقامات اسرائیلی تا این حد بر سر این گزینه تبلیغ می‌کنند؟ شاید این تبلیغات، بخشی از استراتژی آنهاست، زیرا پیش از حمله به تأسیسات اتمی عراق و سوریه،



اسرائیل کاملاً بی‌صدا بود و هیچ‌گونه تهدیدی هم نمی‌کرد. حتی شاید تهدیدهای اسرائیل باعث پیشرفت سریع‌تر ایرانیان شود.

نویسنده با اشاره به سخنان یک مقام رسمی اروپا می‌نویسد: این احتمال جدی وجود دارد که سیاست ضعیف غرب، باعث بروز شکست در مذاکرات شود و در پی آن، تحریم‌های غرب نیز با ناکامی مواجه شود و متعاقب آن نیز جنگ علیه ایران هم، با شکست همراه گردد. پس بهترین و دیپلماتیک‌ترین راه، امیدواری برای گشایش روزنه امید در راستای مذاکره با ایران است.



عنوان: تغییر رژیم ایران از نوعی دیگر^۱

نویسنده: ریچارد هاس

منبع: Council of Foreign Relation^۲

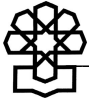
اگر روزی از خواب بیدار شویم و بشنویم کانادا یا بلژیک مخفیانه یک سلاح اتمی ساخته‌اند، مسلماً خوشحال نمی‌شویم، ولی به هر حال باعث خراب شدن روزمان هم نمی‌شود. دلیلش ساده است: عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای برای همه کشورها یکسان نیست.

آنچه در این زمینه ملاک است و شاید مهمتر از توانایی‌های یک کشور است؛ همانا ماهیت یک کشور است. ما بیشتر در مورد ثبات و سمت‌گیری دولت یک کشور حساس هستیم و اینکه آیا امکان دارد از سلاح هسته‌ای استفاده کند یا آن را در اختیار تروریست‌ها قرار دهد. اینها عواملی است که در مورد برنامه هسته‌ای ایران صادق است و ناظر بر چگونگی رفتار بین‌المللی با آن کشور است. آنچه شکل این روابط را تعیین می‌کند نه فقط پیشرفت‌های آزمایشگاهی ایران در این زمینه، بلکه تحولات سیاسی ایران خواهد بود.

این نحوه برخورد بالطبع مخالف هرگونه حرکت نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، توسط آمریکا یا اسرائیل، است. این کار تنها در برنامه‌های هسته‌ای ایران تأخیر ایجاد خواهد کرد؛ نابود کردن چیزی که چندان آشکار نیست یا آشکار است

1. Richard Haass, "A Different Regime Change in Iran", Council of Foreign Relation, October 13, 2009.

۲. «شورای روابط خارجی آمریکا» از مهمترین نهادهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی این کشور است.



ولی به‌شدت از آن محافظت می‌شود. چنین حمله‌ای همچنین باعث حرکات تلافی‌جویانه ایران در عراق و افغانستان خواهد شد. قیمت نفت بر اثر چنین حمله‌ای تا سه برابر افزایش پیدا کرده و به ۲۰۰ دلار خواهد رسید و اقتصاد در حال جان گرفتن جهانی را با فشار روبرو خواهد کرد.

از طرف دیگر آنچه به همان اندازه مهم است اینکه بر اثر این حمله کسی در داخل ایران دیگر نمی‌تواند دولت آن کشور را به چالش بکشد چرا که در این صورت به او اتهام وطن‌فروشی زده می‌شود. در این حال سپاه پاسداران جان تازه‌ای خواهد یافت. از طرف دیگر سپاه توجیه کافی برای توسعه برنامه هسته‌ای خود را پیدا خواهد کرد.

گزینه دیگر در مقابل حمله نظامی، همزیستی با ایران هسته‌ای است. عملیات پیشگیرانه یکی از این سیاست‌هاست. ایران باید بداند که هرگونه استفاده آن از سلاح هسته‌ای با پاسخ نابودکننده‌ای روبرو خواهد شد. همچنین ایران باید بداند که دادن سلاح و مواد هسته‌ای به هر گروه تروریستی نظیر حماس و حزب‌الله کشف خواهد شد (با توجه به تخصص‌های روزافزون در زمینه مواد هسته‌ای) و درست مانند استفاده ایران از این مواد با آن برخورد خواهد شد. هرگونه اطلاع از اینکه ایران نیروهای هسته‌ای خود را به حالت آماده‌باش درآورده باشد، حمله پیشگیرانه علیه این نیروها را به همراه خواهد داشت.

احتمال دارد همین حرکت برای رهبران ایران کافی باشد. همچنین قدم‌هایی باید برداشته شود تا از کشورهایی که در معرض سیستم موشکی ایران هستند و همچنین از همسایگان آن دفاع شود. سیستم‌های دفاعی مناسب باید در این کشورها مستقر شود و در مواردی هم لازم است پیمان‌های دفاعی با آنها را هم تقویت کرد. هدف از این



اقدامات حفاظت همسایگان ایران از تهدیدات آن کشور و جلوگیری از ساخت سلاح‌های هسته‌ای توسط همسایگان ایران است. وجود خاورمیانه‌ای با چندین نیروی هسته‌ای که همه آماده شلیک باشند، بدترین آینده برای این منطقه به‌شمار می‌رود. مسلماً حمله نظامی پیشگیرانه هم عواقب خاص خود را دارد. بهتر آن است که ایران را از طریق ملغمه‌ای از تحریم و تشویق، به محدود کردن برنامه هسته‌ای واداریم با این وجود به‌سختی می‌توان از نتایج این روش مطمئن بود؛ شواهد تاریخی حاکی از آن است که تحریم‌ها زمانی مؤثر هستند که در طولانی‌مدت و با حمایت وسیع بین‌المللی انجام شود. به‌نظر نمی‌رسد در حال حاضر هیچ‌یک از شرایط لازم براین تحریم‌ها، با توجه به اکراه چین و روسیه به حمایت از آن، وجود نداشته باشد. اگر ایران در دادن اطمینان به جامعه بین‌المللی درباره برنامه‌های هسته‌ای خود صادق است، مسئله‌ای نیست؛ ولی اگر نباشد، تحریم‌های بیشتر باید علیه دارایی‌های سپاه (که اخیراً برنده خرید سهام شرکت مخابرات آن کشور شد) و بخش نفت و گاز آن کشور اعمال کرد. حمایت روسیه و چین در این زمینه مفید است، ولی حیاتی نخواهد بود.

اگر تحریم‌ها با آگاهی مردم ایران انجام شود تأثیر بیشتری خواهد داشت. هدف این نیست که ایران از حق خود برای غنی‌سازی اورانیوم تحت نظارت بین‌المللی منع شود. همچنین هدف هم این نیست که فشارهای بیشتری بر مردم ایران وارد شود. برعکس بحث اصلی آن است که ایران اگر برنامه هسته‌ای خود را محدود سازد می‌تواند از سطح زندگی به‌مراتب بالاتری برخوردار باشد، بنابراین مهم است که این موضوع روشن شود که فعالیت‌های هسته‌ای ایران غیرضروری و پرهزینه است.



رژیم ایران باید قادر باشد مردم را قانع کند که چرا این اندازه هزینه برای سلاح هسته‌ای پرداخت می‌کند و حاضر است این اندازه تحریم‌های اقتصادی را تحمل کند و فشار بر مردم را افزایش دهد.

براین اساس هدف اصلی، اعمال فشار از پایین بر سپاه پاسداران است. این فشار می‌تواند به بهبود سیاست هسته‌ای منجر شود. از آن بهتر آنکه ممکن است به تغییر رژیم و روی کار آمدن ائتلافی معقول‌تر از روحانیت، اصلاح‌طلبان، ارتش سنتی و شهروندان منجر شود. حتی چنین رژیمی می‌تواند برنامه هسته‌ای داشته باشد ولی مسلماً ماهیت آن متفاوت خواهد بود و زمینه آرامش خاطر را فراهم خواهد کرد.



عنوان: قدرت مشروعیت در تعامل با ایران^۱

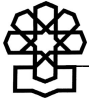
نویسنده: جورج پرکویچ

منبع: Policy Outlook^۲

حکومت ایران تلاش می‌کند طوری رفتار کند که ناظران بیرونی، عملکرد آن را در چارچوب حقوق بین‌الملل ببینند. این مسئله باعث افزایش مشروعیت داخلی حکومت ایران می‌شود. اما افشای سایت دوم غنی‌سازی ایران در نزدیکی شهر قم در تضاد با این استراتژی ایرانی قرار داشت و موجب اوج گرفتن اعتراضات به عملکرد ایران شد. در عین حال تداوم تلاش اوباما در تعامل دیپلماتیک با ایران که با انتقادهای شدید داخلی هم همراه بوده است موجب شد که ایران دوباره به پای میز مذاکره برگردد و تلاش نماید که رفتار خود را براساس حقوق و قوانین بین‌الملل توجیه نماید. با توجه به تحولات پس از انتخابات ایران، هرگونه اقدامی که ایران در تناقض با حقوق بین‌الملل انجام دهد موجب تضعیف بیشتر مشروعیت داخلی اش می‌شود و این همان نکته‌ای است که دولت آمریکا باید از آن استفاده کند. براین اساس، قواعد بین‌المللی اهرم فشار جدی‌ای علیه ایران هستند که باید با استفاده از آنها موافقتنامه‌ای با ایران امضا شود که فعالیت‌های ایران را صرفاً محدود به موارد صلح‌آمیز نماید. در نهایت قوانین بین‌المللی، پاشنه آشیل حکومت ایران هستند که در صورت عمل به آن یا سرپیچی از آن، موجب در تنگنا قرار گرفتن ایران می‌گردند.

1. George Perkovich, "Dealing with Iran: The power of Legitimacy", Policy Outlook No. 50, October 2009.

۲. نشریه «نگرش سیاسی» به تحلیل طیف گسترده‌ای از مسائل بین‌المللی می‌پردازد.



عنوان: ایران و تعامل با غرب^۱

مصاحبه با «ریچارد دالتون» سفیر اسبق انگلیس در تهران

منبع: BBC^۲

جناب آقای دالتون، از موقعی که از تهران برگشتید، همواره طرفدار گفتگوی واقع‌گرایانه و خلاق با ایران بوده‌اید. حالا چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ آیا شما نوعی واقع‌گرایی و خلاقیت در گفتگوی کنونی با ایران می‌بینید؟

در این زمینه جواب صریحی به شما نمی‌دهم. چون حقیقتش این است که ما نمی‌دانیم. مطمئناً ما شاهد یک آغاز دلگرم‌کننده در تعاملاتمان با ایران بوده‌ایم. اما به‌نظرم می‌رسد که ایران گام‌به‌گام موقعیت کشورهای را که با آنها در حال مذاکره هستند را بررسی می‌کند. بنابراین اگر یک جلسه به‌خوبی برگزار شد، این به آن معنا نیست که جلسه‌های بعدی هم خوب برگزار خواهد شد. بنابراین، چگونگی برگزاری این جلسات به تصمیم‌هایی بستگی دارد که هنوز در تهران و شاید هم در واشنگتن گرفته نشده‌اند.

اما وقتی این روش خلاقانه و واقع‌گرایانه را پیشنهاد کردید، دقیقاً منظورتان چه بود؟

منظورم این است که باید دو راه برای برخورد جامعه بین‌المللی با ایران وجود داشته باشد. راه اول این است که به ایران گفته شود که باید برخوردش با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را کاملاً در چارچوب قوانین بین‌المللی انجام دهد. در حال حاضر، ایران

1. Interview with Richard Dalton, "Iran and Engagement with West", BBC, October 20, 2009.

۲. بی‌بی‌سی، از بنگاه‌های خبری وابسته به دولت انگلیس.



می‌خواهد که هم قاضی و هم هیئت منصفه پرونده خودش باشد. اما هیچ کشوری از جمله کشور خود من (انگلیس) قاضی و هیئت منصفه پرونده خودش در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت نیست. بنابراین سؤال‌های جدی‌ای در مورد انگیزه‌های ایران وجود دارد و ایران نمی‌تواند از پاسخ دادن به آنها طفره برود. یکی از دلایل برای اینکه نمی‌دانم آیا دوره‌های بعدی گفتگو خوب پیش خواهد رفت یا نه، این است که نمی‌دانم آیا ایران آمادگی دارد به پرسش‌هایی درباره ابعاد نظامی پژوهش و توسعه در برنامه هسته‌ای خود پاسخ دهد یا نه. یا اینکه آیا ایران آمادگی پذیرش معیارهای اساسی برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را دارد یا نه. این چیزی است که همه کشورها به خصوص کشورهای با برنامه‌های هسته‌ای مهمی همچون ایران ملزم به رعایت آن هستند این همان «پروتکل الحاقی» موافقتنامه ان‌پی‌تی است.

اگر ایران این آمادگی را نداشته باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟

این نخستین باری نیست که در مسائل داخلی ایران از انگلیس به‌عنوان سپر بلا استفاده شده است. این فکر که انگلیس مغز متفکر و طراح آن چیزی است که در ایران اتفاق می‌افتد، ممکن است عمیقاً در ذهن بسیاری از ایرانیان جا گرفته باشد. با این حال این یک خیال‌پردازی است.

بخش دیگری از شیوه تعامل با ایران جستجو برای منافع متقابل است. مسائل منطقه‌ای در عراق و افغانستان و موضوع مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر و موضوع امن‌تر کردن و باثبات‌تر کردن منطقه خلیج فارس در بلندمدت از طریق همکاری بین‌المللی از این جمله است. بین ایران و بیشتر کشورهای دیگر در



مورد چگونگی پیشرفت در مورد مناقشه اسرائیل و فلسطینی‌ها توافق وجود ندارد. اینکه آیا باید از راه‌های خشونت‌آمیز برای حل این بحران حمایت کرد یا از راه‌های صلح‌آمیز همه این موضوع‌ها به همراه مشکلات ایران با آمریکا باید روی میز قرار بگیرد. اگر قرار است همه این مسائل با موفقیت حل شود، این موضوعات را نمی‌توان خارج از بحث قرار داد. بنابراین، ایران یک نقطه‌نظر مشروع دارد. ایران نگران امنیت قلمرو خود است و این موضوع باید بخشی از مذاکرات باشد.

اما یکی از آن نقطه‌نظرات مشروع یا حقوقی که ایرانی‌ها از آن صحبت می‌کنند موضوع غنی‌سازی اورانیوم و داشتن برنامه‌های انرژی هسته‌ای است که می‌گویند جزو حقوق ایرانیان است و هیچکس نمی‌تواند آن را زیر پا بگذارد. آیا این هم بخشی از روش واقع‌گرایانه پیشنهادی شماست؟

این حق ایران است. اما این حق مطلق نیست. بلکه براساس مسئولیت استوار است و ایران با ندادن پاسخ قانع‌کننده به سؤال‌های کاملاً مشروع درباره ابعاد نظامی پژوهش و توسعه برنامه هسته‌ای خود و همین‌طور با عدم پایبندی به موافقتنامه پروتکل الحاقی مسئولیتش در برابر جامعه بین‌المللی را نقض کرده است. البته این اقدامی داوطلبانه است؛ اما با توجه به سوابق امر، دنیا حق دارد از ایران بخواهد که بدون تأمل همه جنبه‌های پروتکل الحاقی را رعایت کند. ایران حق دارد که برنامه غنی‌سازی داشته باشد، به شرط آنکه تحت همان ترتیبات بین‌المللی باشد که دیگر کشورها هم به آن متعهدند تا دنیا در برابر گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایمن بماند.



به این ترتیب شما تا چه حدی امیدوار هستید که مذاکراتی که در ژنو آغاز شد و به نظر می‌آید که تا مدتی هم ادامه پیدا کند، به نتیجه‌ای قابل قبول و مورد توافق هر دو طرف منجر شود؟

تصمیم‌هایی هست که باید در تهران گرفته شود برای اینکه بتوانم بگویم «بله من امیدوارم»، یکی از آنها این است که ایران باید به‌طور جدی در این مذاکرات وارد شود. شواهد مقدماتی که دیده‌ایم، حاکی از آن است که ایران ممکن است این کار را نکند. دوم اینکه باید در تهران به این نتیجه برسند که منافع کشور بستگی به موفقیت این مذاکرات و آن هم موفقیت سریع طی چند ماه آینده دارد. در گذشته دیده‌ایم که از این‌گونه مذاکرات بهره‌برداری شده تا تصمیمی را که باید درباره انتخاب یک مسیر پیمود به تعویق بیندازند. مسیری که به همکاری منتهی می‌شود یا مسیری که نتیجه‌اش رویارویی است. در شرایط فعلی به تعویق انداختن امور امکان‌پذیر نخواهد بود. جدیت موضوع طوری است که جامعه بین‌المللی حق دارد از ایران بخواهد که سریعاً اقدام کند و ما هنوز نمی‌دانیم که ایران آمادگی این مسئله را دارد یا نه.

ولی ایرانی‌ها هم‌اکنون پذیرفته‌اند که دو امتیاز بسیار مهم بدهند. یکی اینکه موافقت کرده‌اند تا اورانیوم را برای غنی‌سازی بیشتر به روسیه و بعداً به فرانسه بفرستند و دیگر اینکه به ناظران آژانس امکان دسترسی و بازدید از تأسیسات قم را بدهند. آیا این برای شروع مذاکرات مثبت و سازنده کافی نیست؟

امیدواریم که این‌طور باشد. اما با یک گل بهار نمی‌شود. ایران پیش از مذاکرات ژنو اعلام کرده بود که می‌خواهد به بازرسان اجازه بازرسی از تأسیسات تازه را در قم



بدهد و با توجه به اینکه آنها الزامات آژانس را نقض کرده بودند، این کمترین کاری بود که می‌توانستند بکنند. ایران می‌بایست آژانس را از آغاز ساخت تأسیسات تازه مطلع می‌کرد. حالا این موضوع مورد مناقشه است؛ اما این نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. بنابراین کمترین کاری که ایران می‌توانست بکند این بود که به بازرسان اجازه ورود بدهد. بنابراین از نظر من این دلیلی بر آن نیست که ایران تصمیم گرفته باشد تا گام‌به‌گام به سوی یک نتیجه رضایتبخش در انتهای این مناقشه طولانی پیش برود.

اما این واقعیت که این بار ایرانی‌ها مستقیماً با آمریکایی‌ها روبرو می‌شوند و اینکه از آمریکایی‌ها و همین‌طور فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها هم بازتاب بسیار مثبتی را شاهد بوده‌ایم، نشان می‌دهد که تا به حال مذاکرات بسیار سازنده‌ای صورت گرفته است.

بله مذاکرات سازنده بوده است و من شخصاً از حرکت ایران استقبال می‌کنم. آنها شروع خوبی در این مذاکرات داشته‌اند.

شما ایرانی‌ها را می‌شناسید. با آنها و با سیاستمداران ایرانی کار کرده‌اید. در ایران زندگی کرده‌اید. آیا احساس می‌کنید که ایرانی‌ها نظرشان را تغییر داده‌اند؟ آیا چیزی را می‌بینید که قبلاً اتفاق نیفتاده باشد؟

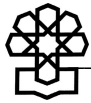
فکر می‌کنم که می‌شود پاسخ داد که بله من این تغییر را می‌بینم. به شرط آنکه پیشنهاد تازه‌ای از جانب ایران ببینیم. ایرانی‌ها پیشنهادهای را که طی چند سال گذشته از سوی



طرف‌های مذاکره به آنها داده شده را نپسندیده‌اند. اما حالا نوبت ایرانی‌هاست که با پیشنهاد بهتری سرمیز مذاکره بیایند. اما آنها می‌دانند که پذیرفته نیست که رفتار دوستانه‌ای با جامعه بین‌المللی در پیش بگیرند و به درخواست‌های موجه آنها مثلاً در مورد پروتکل الحاقی یا جواب ندادن به سؤالات موجود درباره ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای توجه نشان ندهند. بنابراین با توجه به اینکه ایران تا به حال پیشنهادات مطرح شده توسط ۶ کشور را نپذیرفته است؛ لذا این وظیفه ایران است که با ایده‌های تازه‌ای به پیش بیاید.

چرا غرب سخنان رهبر ایران را قبول نمی‌کند که می‌گوید این مخالف مذهب ماست که سلاح اتمی داشته باشیم؟ این درحالی است که رهبری نظام بالاترین مقام ایران و یک شخص مذهبی است.

به اعتقاد من انگلیس به حرف رهبر ایران احترام می‌گذارد و مایل است که آن را در نظر بگیرد. اما برای اینکه گفته ایشان تأیید شود باید دید که در هر شرایط دیگری چه اتفاقی می‌افتد. در جریان مذاکرات میان آمریکا و روسیه برای محدود کردن سلاح‌های هسته‌ای، شعار این بود که همیشه اعتماد کن، اما صحت آنچه را به آن اعتماد می‌کنی بیازمائی. زیرا که جامعه بین‌المللی همواره می‌خواهد اطمینان حاصل کند که قولی که یک رهبر می‌دهد در عمل هم به آن وفا می‌شود. در واقع این خواسته مشروعی است که از ایران خواسته شود که برای آنچه می‌گوید دلیل ارائه کند. به خصوص که این مسئله با توجه به تاریخ بیست سال گذشته و مخفی‌کاری که ایران انجام داده، از اهمیت بیشتری برخوردار است.



یکی از مسائلی که ایرانی‌ها دستکم در انظار عموم درباره‌اش حساس بوده‌اند و نمی‌دانم آیا در مذاکرات هم جزو شرایط آنهاست یا نه، موقعیت اسرائیل است. آنها می‌گویند که اسرائیل زرادخانه هسته‌ای دارد و غرب اهمیتی به آن نمی‌دهد. درحالی که به ایران که حتی انرژی هسته‌ای هم ندارد این همه فشار می‌آورد. فکر می‌کنید آن نوع منطقه بدون سلاح هسته‌ای که صحبتش را می‌کنند امکانپذیر است؟

بله، امکانپذیر است. اما لازمه‌اش حل مناقشه میان اسرائیل و فلسطینی‌ها از یک طرف و مناقشه میان اسرائیل و کشورهای عرب همسایه آن از طرف دیگر است. در تمام مناطق جهان از جمله در خاورمیانه دسترسی به سطوح بالاتری از امنیت برای همه امکانپذیر است به شرط آنکه سطح تسلیحات کاهش پیدا کند و هدف ما باید همین باشد. گام به گام و در لحظه مناسب، موضوع نیروی هسته‌ای اسرائیل هم باید در مذاکرات گنجانده شود.

موضوع دیگری که مرتباً مورد بحث روشنفکران و اصلاح‌طلبان واقع می‌شود، این است که غرب با مذاکره با حکومتی که به نظر آنها مشروعیت ندارد و با تقلب در انتخابات به قدرت رسیده، موضوع دموکراسی و حقوق بشر را که غرب می‌گوید طرفدار آن است، به فراموشی می‌سپرد.

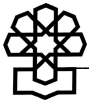
نه. من اعتقاد ندارم که انگلیس، فرانسه و دیگران نقض حقوق بشر را در ایران نادیده می‌گیرند. آنها مایلند احترام خود را به کسانی که فقدان آزادی در ایران را به چالش کشیده‌اند و خواهان اشکال بهتری از حکومت هستند ابراز کنند. آنها مایلند که ایران



در برابر جامعه بین‌المللی در مورد نحوه رفتار با شهروندان خودش هم پاسخگو باشد همان‌طور که موارد مشابه را در نقاط دیگر جهان فراموش نخواهد کرد. اما در همین حال، مسائل مهمی هست که باید درباره آنها با حکومت ایران صحبت کرد. انگلیس در امور داخلی ایران دخالت نمی‌کند و نخواهد کرد. بنابراین ما امکان تعیین طرف مذاکره را نداریم. باید این واقعیت را بپذیریم که حکومتی در ایران هست که بر قلمرو خود تسلط دارد و در سازمان ملل دارای کرسی است. از طریق این بحث‌های لازم درباره صلح و امنیت در منطقه، ما نمی‌توانیم تعیین کنیم که حکومت ایران باید در دست چه کسی باشد. اینها دو موضوع جداگانه‌اند.

شما گفتید که انگلیس در امور داخلی ایران دخالت نمی‌کند، اما رهبری ایران چنین نظری ندارد. آنها به‌خصوص بعد از انتخابات مرتباً انگلیس را به دخالت در امور داخلی ایران متهم کرده‌اند. پاسخ شما چیست؟

این نخستین باری نیست که در مسائل داخلی آن کشور از انگلیس به‌عنوان سپر بلا استفاده شده است. این فکر که بریتانیا مغز متفکر و طراح آن چیزی است که در ایران اتفاق می‌افتد، ممکن است عمیقاً در ذهن بسیاری از ایرانیان جا گرفته باشد. ایرانی‌ها سرنوشت‌شان را خودشان تعیین می‌کنند. بنابراین، گفتن اینکه مثلاً سفارت انگلیس در آنچه باعث پیدایش ناآرامی‌ها در ایران شد دخیل بوده است، آشکارا بی‌معناست.



به دنبال افشای تأسیسات هسته‌ای قم و اظهارات آقای براون و آقای سارکوزی و آقای اوباما در این باره، اخیراً آقای احمدی‌نژاد در مصاحبه‌ای با یک کانال تلویزیونی آمریکایی گفت که برای او «مهم نیست که انگلیس و فرانسه چه می‌گویند» و گفت که آنها اصلاً چه کسانی هستند که بخواهند به ما بگویند چه کاری بکنیم؟ درحالی که آقای اوباما برای ما مهم است. به نظر می‌رسد که رهبری ایران انگلیس را نادیده می‌گیرد یا دور می‌زند.

هر دو مورد که با هم امکان ندارد. درواقع یا ما مغز متفکر و بدترین کشور از نظر آنان و طراح بسیاری از مسائل سیاسی ایران هستیم یا اینکه ما را نادیده می‌گیرند. نمی‌شود هر دو اینها درست باشد. به نظر من انگلیس به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت است و همین‌طور به‌عنوان کشوری که از سال ۲۰۰۳ تا به حال در مورد موضوع هسته‌ای ایران کار کرده است. حکومت ایران پذیرفته که ما باید در این مذاکرات شرکت داشته باشیم. البته انگلیس و شرکای آن مرتباً به اتحادیه اروپا که گروه بزرگ‌تری از کشورها را شامل می‌شود، در این مورد گزارش می‌دهند. این نوع شفافیت درست و بی‌اشکال است. اما البته ما می‌دانیم که علیرغم آنچه ممکن است ایران بگوید، در دنیای واقعی سیاست بین‌المللی مخالفت اصلی ایران با انگلیس نیست. مسئله اصلی ایران مخالفت با آمریکا است و اگر بنا باشد وضعیت ایران در جهان بهتر شود، باید با آمریکا به توافق برسد. ایران می‌گوید که برای این کار آماده است؛ اما هنوز هیچ نشانه عملی در مورد اینکه حکومت ایران حاضر است این راه را تا آخر طی کند به چشم نمی‌خورد. بیاید امیدوار باشیم که ایجاد تفاهم به‌طور گام‌به‌گام میسر باشد. اما این مطمئناً احتیاج به زمان دارد. اگر چنین تفاهمی ایجاد شود با خاتمه



دخالت ایران در مناقشه اسرائیل و فلسطینیان از راه حمایت از گروه‌های مسلح و با خاتمه حمایت ایران از برخی عناصر تندرو در افغانستان و عراق شاید راه‌حلی هم برای این مسائل پیدا شود. بنابراین، یک دستور کار طولانی و مهم وجود دارد.

جناب آقای دالتون، شما کارتان را به‌عنوان سفیر انگلیس در ایران در برهه مهمی از تاریخ سیاسی ایران آغاز کردید. آقای خاتمی تازه انتخاب شده بود و اصلاحات موضوع روز بود. حال و هوای ایرانیان در دوره اصلاحات چگونه بود؟ آیا در آن موقع واقعاً فکر می‌کردید که ایران در جریان یک دگرگونی اساسی است؟

من آخر سال ۲۰۰۲ به ایران وارد شدم. حرکت به‌سوی اصلاحات با سکون مواجه شده و در مواردی حتی به عقب برگشته بود. احساس شخصی من این است که بعد از دومین پیروزی پرزیدنت خاتمی عکس‌العملی کاملاً جدی در گوشه دیگری از نظام ایران نشان داده شد. با این هدف که این حرکت باید مهار می‌شد. در سال ۲۰۰۳ دیدیم که اوضاع به‌طور روزافزونی برای آقای خاتمی مشکل‌تر می‌شد. (مثلاً در مورد پیشنهاد برای ایجاد تغییراتی در قانون اساسی یا پیوستن ایران به کنوانسیون بین‌المللی برای محو تبعیض علیه زنان). این کارها در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ غیرممکن شد. اما در تمام این مدت نماینده بریتانیا می‌توانست با وزارت امور خارجه ایران دیدار داشته باشد و مسائل مشترک را با مقامات ایرانی مطرح کند. جای تأسف است که اوضاع بعد از رفتن من از ایران بسیار بدتر شد.



در شرایط کنونی آینده تحولات داخلی را در ایران چگونه می‌بینید؟

متأسفانه دورنمای اصلاحات در کوتاه‌مدت دورنمای ضعیفی است. چون در تهران منازعه‌ای بر سر قدرت جریان دارد که برنده‌اش کسانی هستند که می‌خواهند بحث درباره مسیر آینده ایران را حتی از چند سال گذشته محدودتر کنند. آنها می‌خواهند کسانی را که در گذشته به‌عنوان بخشی از حکومت تأیید کرده بودند از داشتن هرگونه نفوذی محروم کنند. بنابراین به‌نظر می‌رسد که باید درباره احتمال وقوع تغییر در ایران در کوتاه‌مدت واقع‌گرا باشیم. اما ممکن است در بلندمدت با دورنمای متفاوتی روبرو باشیم. همه ایرانیان باید بر سر نیاز به یک تکامل صلح‌آمیز به توافق برسند. باید موقعیتی برای جوانان آرزومندی که به آینده امیدوارند فراهم شود تا بتوانند نظرشان را در نحوه سازماندهی جامعه و حکومت بازتاب دهند. لازم است که انرژی ایرانیان برای خلاقیت اقتصادی و اجتماعی آزاد شود.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۹۵۲

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۳۱)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

سروراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۸/۲۳